



**موسی نعیم**، به مدت ۱۴سال سردبیر مجله معروف و سرشناس «فارین پالیسی» بود. مجله‌ای که به صورت ماهانه در کنار تشریح سیاست خارجی آمریکا به طرح و نقد کارشناسانه و حرفه‌ای مهم‌ترین افکار و اندیشه‌های سیاسی در سطح جهان می‌پردازد. نعیم که ریشه و تبارش به لیبی می‌رسد و می‌گوید بزرگ شده و ونزوئلاست و حتی در این کشور تا مقام وزارت هم پیش رفت اما بعدها سر از اتاق فکرهای واشنگتن در آورد و به‌عنوان سردبیر این مجله مشغول به کار شد. وی براین باور است که بهترین دوران عمرش را در این مجله سپری کرده است. در کنار کار روزنامه‌نگاری البته او کتابی را درهمین دوران به رشته تحریر در آورد به نام «پایان قدرت / افروپاشی قدرت» که بحث‌برانگیز شد. در این کتاب نویسنده می‌گوید: «قدرت در جهان امروز، آسان به دست می‌آید اما استفاده از آن بسیار دشوار است. زیرا می‌تواند زبان‌های سهمگینی به همراه داشته باشد». به گفته نعیم «قدرت‌مندان در طول تاریخ حلقه‌هایی از متحدان و رقیبان را پیرامون خود داشتند. این حلقه‌ها در همه عرصه‌هااعم از سیاسی، مالی و حتی ورزشی وجود داشت. اما یکی از مهم‌ترین تحولاتی که درچند سال اخیر اتفاق افتاده است امروزه آدمی نسبت به گذشته قدرتمندتر شده است و افراد قدرت بیشتری یافته‌اند تا آنجا که می‌توانند دربرابر قدرتمندان مقاومت کنند». متن گفت‌وگوی روزنامه الشرق‌الاوسط را با او می‌خوانید:

**✎ در کتاب اخیر شما «پایان قدرت» این نکته توجه مرا جلب کرده که می‌گویید «امروز قدرت در جهان آسان به دست می‌آید اما کاربردش سخت است و می‌تواند به آسانی خسارت‌های سهمگینی را به بار آورد.» اما ممکن است ماهیت جدید قدرت را برای ما شرح دهید؟**

این در واقع پیام مرکزی کتاب من است. منظور من این است که قدرتمندان در طول تاریخ برای خود حلقه‌های واسطه‌ای از متحدان و رقیبان داشتند که دور تا دور آنها را فرا می‌گرفت. این متحدان یا رقیبان در همه عرصه‌ها اعم از سیاسی، مالی و حتی ورزشی حضور داشتند. تو به این دلیل قوی بودی که چیزی خاص و متفاوت از دیگران داشتی و آن ویژگی خاص می‌توانست از تو در برابر دیگران حراست کند. به‌عنوان مثال یک ارتش یا مدرن‌ترین و جدیدترین سلاح‌ها یا ثروت انبوهی که از طریق آن می‌توانست زرادخانه‌ها را پر کند یک سیاستمدار قدرتش در روابطی بود که داشت و نیز در کسانی که می‌توانستند به او کمک کنند. اما این حلقه‌ها یا استحکاماتی که قدرتمندان را حراست می‌کرد دیگر مانند گذشته وجود ندارد. امروزه به سادگی می‌توان این حلقه‌ها را متلاشی یا برآنها غلبه کرد.

**✎ آیا این فکر یا تحولات موسوم به «بهار عربی» اطلاق دارد؟ لیکن متأسفانه شما می‌بینید در هرکشوری که انقلاب شد در نهایت به هرج ومرج رسید. هیچ‌کس هم دراین میان نیست که قدرتمندی لازم یا یک قدرت برتر را داشته باشد که این هرج‌ومرج‌ها را کنترل کند.**

قدرت در مصر یا تونس یا سایر کشورهای عربی متلاشی است. هیچ‌کس دیگر همه کلیدی‌ا را ندارد. در کتبم به این نکته اشاره شده که این امر می‌تواند مفید باشد زیرا فرصت‌های زیادی را برای شهروندان فراهم می‌کند. کمالاتی که آن احتکار قدیم دیگر شکسته شده و اجازه می‌دهد بازیگران جدیدی وارد عرصه‌های اقتصادی یا سیاسی شوند.

اما از طرف دیگر پایان قدرت می‌تواند زبان‌آور باشد. زیرا حالتی از خلأ را به وجود می‌آورد. بسیاری از شخصیت‌ها و سازمان‌ها برای خود به اندازه کافی قدرت دارند به نحوی که می‌توانند درمقابل دیگری باایستند. اما هیچ‌کدام قدرت کامل را برای حکومت‌کردن ندارند. این همان چیزی است که در آمریکا هم می‌بینیم. جایی که قطب‌بندی‌ها و کشمکش‌های سیاسی در جریان است. در ایتالیا نیز می‌بینیم دولت‌های متوالی می‌توانند با احزاب دیگر، ائتلاف‌های نیرومندی تشکیل دهند. یک گروه حاکمیت پیدا می‌کند و قدرت درمقابل دیگر تقسیم می‌شود هرچند درنهایت دولت‌های ضعیفی شکل می‌گیرد. همین مساله را در کشورهای عربی نیز شاهدیم. قدرت بین همه تقسیم شده است. اما هیچ‌ک قدرت کافی برای غلبه برهمگان ندارند. هیچ‌کس قدرت کافی و کامل برای حکومت‌کردن بر دیگران را ندارد. این طبعاً امرخوبی نیست. راه‌حلی را که من در کتابم پیشنهاد می‌کنم اهمیت ایجاد یک چشم‌انداز جدید درباره احزاب سیاسی است.

**✎ نظر شما درباره سوریه چیست. یکبار من از شما شنیدم که گفته بودید سوریه به یک دولت شکست خورده است؟**

در مورد سوریه باید گفت اوضاع این کشور خطرناک است. سوریه دارد به سه بخش تقسیم می‌شود و هربخش یک دولت شکست‌خورده خواهد بود. به دشواری دیگر می‌توان این کشور را اداره یا بر آن حکومت کرد. هیچ‌کس قدرت کافی برای انجام این کار را ندارد. حال آنکه درمقابل این جریان، کسانی دیگر قدرت کافی برای کارشکنی دارند.

**✎ شما می‌گویید سه عامل موجب پایان قدرت شده است: کثرت، حرکت و عقلانیت. آیا ممکن است منظور از اینها را توضیح دهید؟**

این نیروها همان عواملی هستند که موجب شده تا قدرتمندان دیگر مثل گذشته قدرتمند نباشند. کثرت به معنای کثرت در همه چیز است. خیلی چیزها هستند که روی این‌کرخ‌های به‌طرزی بی‌سابقه‌ای درحال تکثیر هستند. تعداد ساکنان کره زمین در گذشته بسیار کمتر از امروز بود. ساکنان زمین امروز به‌سبب پیش از

**موسی نعیم نویسنده کتاب «پایان قدرت»:**

# دیگر کلید، دست یک‌نفر نیست

**ترجمه: محمدعلی عسگری**



قائد آن بودند و نمی‌توانستند برای مثال جوانان را به خود جذب کنند. برای همین توصیه می‌کنم جریان‌های سیاسی اندکی از این سازمان‌های فعال درس بگیرند.

**✎ شما در کتاب خود می‌گویید حتی قدرت نظامی امروز نیز دیگر مثل همان قدرت نظامی سابق نیست. برای این ادعا دزدان دریایی سومالی را مثال می‌زنید که مدرن‌ترین کشتی‌ها را می‌دزدند؟**

این مثال مهمی است که آنچه را می‌خواهم بگویم نشان می‌دهد. این دزدان دریایی از قایق‌های فرسوده و سلاح‌های قدیمی استفاده می‌کنند. با این حال می‌توانند کشتی‌های پیشرفته و مدرنی را بدزدند. می‌بینیم ابرقدرت‌ها از جمله آمریکا و اروپا و چین و ترکیه، هیچ‌کدام قادر به شکست آنها نیستند. این نمونه به ما می‌فهماند که حتی قدرت نظامی نیز بسیار محدود شده است. ارتش آمریکا باهرغم تمام بودجه سنگینی که دارد می‌بینیم قادر نیست حتی از جنگ‌هایی که خودش شروع کرده (عراق یا افغانستان) به صورتی موفق و آبرومند خارج شود.

**✎ شما می‌گویید رهبران کشورها نیز به نسبت اسلافشان ضعیف‌ترند. آیا این درست است که باراک اوباما رییس‌جمهور آمریکا کمتر از روسای‌جمهور پیشین قدرت دارد؟**

در یکی از مصاحبه‌هایی که با باراک اوباما داشتند او به روزنامه‌نگاری که داشت مصاحبه می‌گرفت اشاره کرد و باغچه‌ای را در داخل کاخ سفید نشانش داد و گفت: رییس‌جمهور ریگان با یک تلفن توانست این باغچه را درست کند. اما من همین یک کار

کوچک را هم نمی‌توانم بکنم. این یک داستان سمبلیک است. طبعاً من نمی‌خواهم بگویم که روسای‌جمهور آمریکا یا چین یا روسیه قدرت ندارند، بلکه می‌خواهم بگویم آنها الان کمتر می‌توانند از این قدرتی که در اختیارشان است استفاده کنند.

**✎ برداشت شما از آنچه ولی نصر در کتاب جدید خود «امت لازم نیست» را برکت سیگان در کتاب «جهانی که آمریکا ساخت» آورده، چیست چون تا حدود زیادی دیدگاه آنها با دیدگاه شما درباره قدرت فرق دارد. تفکر آنها به‌طور خلاصه این است که با ایالات متحده آمریکا می‌تواند قدرت کافی برای تغییر شرایط روی زمین و ایجاد یک ثبات بین‌الملل را دارد. نظامی که خود آمریکا طی ۶۰ سال گذشته آن را به وجود آورده است.**

آن دو فقط بر بخش روابط بین‌المللی و تأثیر سیاسی ایالات متحده تمرکز کرده‌اند. حال آنکه کتاب من تقریباً بر همه چیز تمرکز دارد. من از فروپاشی قدرت در بازارهای مالی و تشکل‌های کارگری و احزاب سیاسی و غیره حرف می‌زنم. اما اگر شما با دقت مثلاً به کیگان نگاه کنید او نیز به محدودیت‌های تأثیرگذاری ایالات متحده درجهان اعتراف می‌کند. برای مثال دیگر در آمریکای جنوبی ایالات متحده آن قدرت و تأثیرگذاری گذشته را ندارد و به نوعی قدرتش کمید و محدود شده است حال آنکه در گذشته بسیار اثرگذار و تعیین‌کننده بود.

**✎ درباره معنای انتقال قدرت از غرب به شرق یا مفهوم قدرت نرم و تأثیرگذاری بیشتر آن نسبت به قدرت خشن چه می‌گویید؟**

کسانی هستند که درباره جابه‌جایی مستمر قدرت بحث کرده‌اند. این بدیهی است که همواره کسانی از کرسی قدرت بالا می‌روند و کسان دیگری فرود می‌آیند. اما اساس تفکر من این است که ماهیت قدرت در این رابطه درحال فروپاشی و اضمحلال است. همه درواقع دارند این قدرت را از دست می‌دهند. به عبارت دیگر همه آسان قدرت را به دست می‌آورند اما به سختی می‌توانند از آن بهره‌برداری

## جهان

ادامه از صفحه ۲

**سریال دموگراسی مصر**

**مرسی و ناکامی‌های متراکم**

مرسی ناکام از اجرای برنامه‌های اقتصادی ثبات‌بخش و برگرداندن امنیت سابق از دست رفته برای از سرگیری همان اقتصاد «قوت لایموت» این کشور روبه‌روی خشم مردمی قرار دارد که هزارگاهی حرکت‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای هم از اوخانی‌ها می‌بینند و ترسشان از قدرت‌گیری تدریجی آنها بر کلیت نظام سیاسی عصبی‌تر می‌شود. محمد مرسی بیش از هر چیز قربانی ناکارآمدی نظام اقتصادی و سیاسی است که اجازه نداده تا زندگی عادی شهروندان مصری حتی پس از انقلاب فوری‌ه اندکی قابل تحمل‌تر شود. بزرگ‌کردن شکاف میان «اسلام‌خواهی سیاسی» و «دموکراسی‌خواهی سکولار» نمی‌تواند ما را به درک هسته اصلی ناآرامی‌ها در مصر برساند. این اعتراضات به‌حق مردم نه محملی فلسفی/ الهیاتی دارد و نه بحث فایق و مغلوب شدن در تئوری‌ها و تفاسیری است که از رابطه دین و دولت معمولاً صورت می‌گیرد. خیزش‌های عربی قبل از هر چیز شورش مردم برای احیای شأن زندگی انسانی است: گذران زندگی محترمانه و با ثبات به لحاظ اقتصادی و بی‌ان آزادانه خود به لحاظ سیاسی. سوارکردن دعواهای فلسفی و الهیاتی بر خواست مردم و معادل‌سازی از اخوان المسلمین به‌عنوان نیروهای تاریک اندیش دیکتاتور و

ارزش‌گذاری به ارتش مداخله‌گر در هیبت نیرویی‌رهایی‌بخش نمی‌تواند به‌ما بگوید در مصر چه می‌گذرد. درسی که از خیزش‌های همچان در جریان مصر باید گرفت این است که ملاک قضاوت مردم، درواقع زندگی من سه سر فصل مهم داشته است. یکی مطالبات شهروندانشان را فارغ از وابستگی رفقه‌ای و ایدئولوژیک به این یا آن منبع فکری برطرف کنند. اتهام دیکتاتوری به مرسی چندان محکمه‌پسند نیست. به نوشته عصام الامین در مجله کوئتر پارت به تاریخ ۲۳ ژوئن ۲۰۱۳، مرسی برای اکثر ارباب جبهه نجات ملی درخواست همکاری می‌فرستد و از آنها می‌خواهد که پست‌های مهمی را در دولت برعهده بگیرند. خوب یا بد مرسی تلاش می‌کند تا مدیریتش باز را نسبت به سهم‌دهی به ویژه به افراد جبهه ملی در پیش گیرد و تقریباً همه از درخواست‌ها به‌طور سیستماتیک رد می‌شود. حتی مشاور سیاسی مرسی «باکیانام الشرقاوی» گفته است که اخیراً تمام درخواست‌های رییس‌جمهور برای همکاری با افراد لایحک حنی در سطح وزارتخانه‌ها رد می‌شده است. یادم می‌آید یکبار در این ستون به شبکه بودن اوخانی‌ها نیز چندان قول‌های قابل استنادی وجود ندارد. گویانکه، اخوان‌المسلمین فقه را دانش بشری و مشمول ضرورت‌های زمانی- مکانی می‌داند و از اینرو تفسیری از فقه ارایه می‌دهد که به فقه «صاحبه» معروف است. آنچه در مصر اتفاق افتاد را باید در پرتاز قضاوت امر روی‌داده گذاشت. سوم جولای سال آینده خواهیم دید که این اقدام ارتش مصر واقعاً اقدامی بوده است علیه گور کندن مردم به این خود. آن قضاوت در مورد رویدادهای تاریخی و سیاسی با نگاه به آنچه روی داده است، امکان دارد اما ظاهراً در دنیای وارونه این سال‌ها برای قضاوت درباره سوم جولای۲۰۱۳ باید تا سال بعد صبر کرد.

**✎ درباره جلد این مجله چه می‌گویید. چگونه آن را انتخاب می‌کردید. بسیاری از طبع جلد‌ها منحصربه‌فرد بود مثل طرح جلدی را که روی آن یک عکس مار کس تصویر شده و در کنارش تکه‌ای از نان به چشم می‌خورد؟**

آن طرح جلد را یادم هست. تا تأکید داشتیم که این طرح جلد استثنایی و خلاق باشد تا خواننده را به صورت مجله تشویق کند. درواقع کار در فارین پالیسی به صورت جمعی بود. من شاس این را داشتیم که بر تعدادی از نخبگان روزنامه‌نگاری و هنرمندان صاحب‌سبک همکاری داشته باشم. درآنجا ما بخشی ویژه برای بحث‌وجدل‌ها داشتیم.

دراین بخش نویسندگان اقدام به پاسخگویی به نقدهایی می‌کرد که درباره دیدگاهش مطرح می‌شد. ما از کسانی که صاحب‌نظر بودند یا دیدگاه‌های متفاوتی داشتند دعوت می‌کردیم تا بایند و مقالات چاپ شده خودمان را نقد کنند. همه این کارها برای روشن‌شدن موضوع و غنی‌ترشدن مطالب و البته برای لذت بردن خودمان بود.

**✎ خاطره خاصی دراین باره دارید؟**

به گمان من انتشار نسخه عربی از این مجله یک اتفاق مهم برای من بود. من قیین داشتم که این مجله خوانندگان بسیاری در قیاین عرب خواهد داشت. زیرا بسیاری تشنه افکار جدید هستند. همچنین فراموش نمی‌کنم که سه مرتبه من به دلیل کارهایم جایزه بین‌المللی مطبوعات را دریافت کردم. اینها اتفاقاتی است که طبعاً فراموش نمی‌شود.

**✎ آخرین سوال اینکه اسم شما موسی نعیم است، گفته می‌شود در طرابلس لیبی به دنیا آمده‌اید؟**

بله من متولد طرابلس هستم و چهارساله بودم که خانواده‌ام به ونزوئلا مهاجرت کرد. خانواده پدری و مادری‌ام بیش از شش نسل است که در لیبی زندگی می‌کنند.

**✎ به عربی می‌توانید صحبت کنید؟**

نه. اما پدر و مادرم در ونزوئلا هنوز به عربی حرف می‌زنند. البته من می‌توانم بفهمم چه می‌گویند اما

نمی‌توانم به این زبان تکلم کنم. موسیقی عربی را دوست دارم به‌خصوص جدیدترهایش را. جالب اینکه در خانه ما هم مثل بقیه همان سنت‌های لیبیایی وجود دارد تا آنجا که زن من که اهل ونزوئلاست آشپزی لیبیایی را یاد گرفته است.

منبع: الشرق‌الاوسط

## گزارش

## آخرین ساعات رییس‌جمهور «مرسی» به روایت «کار دین»

روزنامه گاردین با استناد به منابع اطلاعاتی خود گزارش کاملی از روزهای آخر «محمد مرسی» در کاخ الاتحادیه را منتشر کرده است.

یکشنبه هفته گذشته مصادف بود با اولین سالگرد ریاست‌جمهوری «محمد مرسی» در مصر. اما این روز آغازی بود بر پایان مرسی و جنبش «موسوم» به تمرد که در عرض فقط سه روز توانست با حمایت و مداخله ارتش، مرسی را از قدرت کنار بگذارد. روزنامه گاردین به نقل از منابع اطلاعاتی خود روایتی را از آخرین روزهای ریاست‌جمهوری «محمد مرسی» منتشر کرده که مشروح آن در ذیل می‌آید: فرمانده ارتش نزد رییس‌جمهور «محمد مرسی» آمد و یک خواسته ساده مطرح کرد: خودتان از قدرت کنار بروید. «مگر اینکه از روی نعث من رد شوید!» این پاسخی بود که مرسی روز دوشنبه دو روز قبل از برکناری، به ژنرال «عبدالقناح السیسی» داد. اما دست آخر، اولین رییس‌جمهور منتخب مصر به

جایی رسید که خود را منزوی، بدون متحد و بدون هیچ حامی در بین نیروهای پلیس و ارتش یافت. مقامات ارتش، مسوولان امنیتی و اعضای اخوان‌المسلمین می‌گویند، حتی وقتی کماندهای ارتش آمدند تا او را به محلی نامعلوم ببرند، اعضای گارد ریاست‌جمهوری هم خیلی راحت کنار رفتند و اجازه این کار را دادند. مقامات اخوان‌المسلمین می‌گویند از روز ۲۳ ژوئن یعنی یک هفته قبل از آغاز تظاهرات بزرگ مخالفان، حدس می‌زدند که مرسی به آخر کار رسیده، نظامی‌ها هفت روز به مرسی وقت داده بودند تا اختلافات میان خود و مردم را حل کند. مرسی در این چندماه آخر، تقریباً با همه نهادهای کشور درگیر بود، از سران مذهبی مسلمان و مسیحی گرفته تا دادگستری، نیروهای مسلح، پلیس و آژانس‌های اطلاعاتی. مخالفان سیاسی او هم اعطای اختیارات فراوان به اعضای اخوان‌المسلمین و دیگر اسلامگرایان در دوره مرسی و ناتوانی او در حل مشکلات عدیده اقتصادی مصر را در بوق و کرنا کردند و همین فشار افکار عمومی به او را افزایش داد.

بی‌اعتمادی بین مرسی و آژانس‌ها اطلاعات‌اش آنقدر زیاد شده بود که آنها شروع کردند به مخفی‌کردن اطلاعات از او. مثلاً استقرار نیروها و خودروهای زرهی در شهرها، بدون اطلاع او صورت گرفت.

پلیس هم در جریان تظاهرات‌ها از حفاظت از دفاتر اخوان‌المسلمین در برابر حملات معترضان، خودداری کرد. همین شد که مرسی وقتی برای بقای خود می‌جنگید و هیچ‌کسی را برای کمک‌گرفتن نداشت، تنها توانست از طریق سفرا از کشورهای غربی و گروه کوچکی از دستیارانش در اخوان‌المسلمین کمک بخواهد، که آنها هم تنها کاری که توانستند بکنند، ضبط و انتشار سخنرانی دو دقیقه‌ای او بود. مرسی در این سخنرانی احساسی، بر مشروعیت انتخابی‌اش تأکید کرد. موضوعی که او بارها در جلسات با السیسی می‌دهد. «مرا صلی» یا یکی از سخننگوهای اخوان‌المسلمین است که می‌گوید ارتش از قبل تصمیم خود را برای برکناری مرسی گرفته بود. مرسی حاضر شده بود امتیازهایی بدهد، اما هیچ یک از آنها السیسی را راضی نمی‌کرد. علی می‌گوید: ما بی‌تجربه بودیم. فکرش را هم نمی‌کردیم بتوانند تا این حد خیانت کنند. آنها اینطور برخورد

می‌کردند که (با ورود او اعلام کنید که استعفا می‌دهید، یا ما شما را به زندان می‌اندازیم). مقامات اخوان‌المسلمین می‌گویند فهمیده بودند که خط پایان نزدیک است. یک سخنگوی دیگر اخوان می‌گوید: از همان ۲۳ ژوئن من دریغ می‌کنم که همه چیز تمام شده. سفرای غربی به ما گفته بودند. این سخنگوی اخوان می‌گوید، «آن پترسون» سفیر آمریکا در مصر یکی از این مقامات غربی بوده که از قضیه خبر داشته است. مرسی داخل ارتش دنبال متحد می‌گشت. او به دو دستیار ارشدش («اسعد الشیخ» و «رافعه الطهلاوی») دستور داده بود که در یگان دوم نیروی زمینی ارتش در پورت سعید و اسماعیلیه که در کاال مستور مستقر بودند، به دنبال افسران حلیی او باشند. مقامات امنیتی مطلع می‌گویند هدف مرسی از این دستور امتیازگیری در برابر السیسی بوده است. هرچند که به‌نظر نمی‌رسید این دستور مرسی هم دستاوردی برای او داشته باشد، اما السیسی با مطلع‌شدن از این دستور، همان شانس ناچیز مرسی را هم از او گرفت. السیسی به فرماندهان تمام واحدهای ارتش دستور داد که به هیچ‌وجه هیچ تماسی با کاخ ریاست‌جمهوری نداشته باشند. او حتی برای اطمینان، نیروهای زبده‌ای را برای اعزام به واحدهایی که فرماندهان آنها با دستیاران مرسی تماس داشته‌اند، آماده کرده بود.

**مرسی به پایان خط نزدیک می‌شود**

مرسی سعی می‌کرد ظاهر را حفظ کند و طوری نشان دهد که دولت در حال انجام فعالیت‌های روزمره است. دفاتر او بیاتنهایی در مورد جلساتش با وزرای کابینه برای بحث بر سر موضوعاتی مثل تأمین مواد غذایی در طول ماه رمضان صادر می‌کردند چهار نفر از وزرای او هم صاحب‌های در مورد کمبود سوخت و قطعی‌های برق با تلویزیون داشتند، که در کاخ ریاست‌جمهوری ضبط شد. مخالفان قرار گذاشته بودند اولین تظاهرات را روز ۳۰ژوئن یعنی در ارتش اتفاق بدهند. اما تا اینکه تقرباً سه روز بعد از آن، ضرب‌الاجل ارتش ژوئن در کاخ «لعلیه» کار می‌کرد، تا اینکه نهایتاً گارد ریاست‌جمهوری به یی پیشنهاد کرد که به دفتر آنها بروند. یک مقام نظامی می‌گوید «عصام الحداد» دستیار سیاست خارجی مرسی با دولت‌های غربی تماس گرفت تا دیدگاهی خوشبینانه به آنها ارایه کند. او همچنین بابتنهایی به زبان انگلیسی منتشر کرد تا به رسانه‌های غربی بگوید میلیون‌ها نفری که در خیابان‌ها تظاهرات کرده‌اند، نماینده همه مردم مصر نیستند و کودتای نظامی هم تنها در حد حرف است و قابل اجرا نیست. آنروز که روزنامه معتبر «الاهرام» نوشته، به مرسی پیشنهاد انتقال به ترکیه، لیبی یا ناطلی دیگر هم ارایه شده، اما او قبول نکرده. همین‌طور به او پیشنهاد شده که در صورت کناره‌گیری دولوپلانه از تعقیب قضایی مصون باشد. مرسی اواخر وقت سه‌شنبه سخنرانی کرد و بر ماندن در قدرت تأکید کرد. او همچنین از هودارانش خواست برای دفاع از مشروعیت او مبارزه کنند. بلافاصله بعد از این سخنرانی بود که السیسی او را در دفتر کار ریاست‌جمهوری بازداشت کرد. روز بعد از آن، ضرب‌الاجل ارتش برای مرسی سر رسید. ساعت پنج صبح ارتش شروع به استقرار نیروهای خود در شهرهای بزرگ کرد و ویدیوهایی از آن را در فیس‌بوک منتشر کرد تا به مردم اطمینان دهد. گارد‌های ریاست‌جمهوری که مسوول محافظت از مرسی بودند، اواسط روز وی را ترک کرده و نیروهای ارتش سر رسیدند. هیچ درگیری و یحیی پیش نیامد و مرسی بی‌سروصدا رفت. عصر آن روز، السیسی برکناری مرسی را اعلام کرد.